فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره سوم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۰-۱

نقدی بر پارادایم تحلیل فضایی از منظر جغرافیای اقتصادی رابطه‌ای

حسن افراخته*؛استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

چکیده

جغرافیای اقتصادی در جهان، از آغاز تا کنون پارادایم‌های متفاوتی را وفق نیاز زمان تجربه کرده است. یکی از پارادایم‌هایی که به طورعمیقی به ویژه در ایران مرسوم شده و تداوم دارد، پارادایم تحلیل فضایی است که در آن متغیرهای" موقعیت مکانی"، "دسترسی"و " وفور منابع طبیعی"، از عوامل اصلی رشد اقتصادی نواحی تلقی می‌شوند. هدف مقاله حاضر، نگاهی انتقادی به دیدگاه تحلیل فضایی در جغرافیای اقتصادی از منظر جغرافیای اقتصادی رابطه‌ای است. در این مقاله از منطق رئالیسم انتقادی استفاده شده است. بنا بر ماهیت تحقیق، اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی جمع‌آوری شده است و دو نوع نمونه به عنوان مصداق معرفی شده و در آن‌ها داده‌های مورد نیاز تحقیق جمع‌آوری شده است. یکی از این نمونه‌ها، استان خوزستان و استان یزد به عنوان"نواحی مختلف درسیستم سیاسی- نهادی واحد"، و دیگری ناحیه "نوگالس آریزونا"، در ایالات متحده و " نوگالس سونورا"در کشور مکزیک به عنوان" نواحی واحد در نظام‌های سیاسی- نهادی مختلف" است. در تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از تحلیل گفتمان استفاده شده است. نتیجه نشان می‌دهد که موقعیت مکانی و ماهیت ذاتی نواحی و منابع طبیعی، تعیین کننده نقش اقتصادی نواحی نیست. زیرا ناحیه، بازیگر اقتصادی نیست و مجاورت جغرافیایی در هر شرایطی به توسعه اقتصادی منجر نمی‌شود. نمونه‌های خوزستان، یزد و نوگالس سونورا، حاکی از آن است که به رغم ویژگی‌های اکولوژیکی مشابه، نتایج اقتصادی یکسانی حاصل نمی‌شود زیرا توسعه اقتصادی محصول درهم تنیدگی غیر تجاری محل، تکنولوژی و سازمان(تثلیث مقدس) است. به همین دلیل، نوگالس آریزونا که از نظر اکولوژیکی، شرایطی مشابه نوگالس سونورا دارد، ولی به دلیل وجود درهم تنیدگی های غیر تجاری محل، تکنولوژی و سازمان، از توسعه اقتصادی به مراتب بالاتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: جغرافیای اقتصادی، تحلیل فضایی، پارادایم رابطه‌ای، تثلیث مقدس،

* afrakhtehh@yahoo.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

۱) مقدمه

پل کروگمن[۱] و برخی از اقتصاددانان از دهه ۱۹۹۰، تعریفی ازجغرافیای اقتصادی ارائه دادند (Fujita ett all,1999 & Krugman , 1991) که به عنوان چرخشی اقتصادی در این رشته تعبیر شد. اما این تعریف از سوی دانشمندان مختلف، به عنوان "اقتصاد جغرافیایی"[۲] طبقه‌بندی شد و آنان چنین استدلال کردند که تعریف مزبور، به شدت روی عوامل قابل اندازه‌گیری متمرکز شده است در حالی که واقعیت پیچیده زندگی اقتصادی را نادیده گرفته است (Martin Sunley, 1996; Bathelt, 2001).

همزمان گروهی کوشیدند که جغرافیای اقتصادی را به سوی جغرافیای فرهنگی سوق دهند(Martin, Sunley, 2001; Amin and Thrift, 2000) که در تعریف آنان، به جای تمرکز روی متغیرهای خاص اقتصادی، به متغیرهای فرهنگی بهای زیادی داده شد و در تعریف جغرافیای اقتصادی به اصطلاح، چرخشی فرهنگی صورت گرفت. این چرخش فرهنگی هم به این دلیل مورد انتقاد قرار گرفت که استدلال‌های سیاسی را نادیده گرفته و موجب مناقشه بین رشته ای شده است و از این رو، نمی‌تواند دیدگاه بلند مدت علم جغرافیای اقتصادی تلقی شود(Scott,2004:479-499).

همه این رویکردها ویژگی‌های مشترکی دارند که عبارتند از:

یکم، "نواحی جغرافیایی"[۳] را به عنوان بازیگرانی تلقی می‌کنندکه مولد ارزش اقتصادی هستند ولی بنگاه‌ها و مردمی که در بنگاه ها و سایر سازمان‌ها عمل و عکس العمل اقتصادی انجام می‌دهند، در محاسبات نادیده گرفته می‌گیرند(Maskell,2001)؛

دوم، اغلب این رویکردها، تصمیمات مکانی و توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی را با استفاده از عامل "فاصله"[۴] تبیین می‌کنند (Sheppard, 2000)، در نتیجه، نقش بنگاه‌هایی را که شرکای محلی را در روند تولید مشارکت می‌دهند؛ به تربیت کارگران می‌پردازند؛ و تصمیم‌سازان را به اتخاذ سیاست های حمایتی وامی دارند، فراموش می‌کنند(Bathelt,2006: 233-236)؛ و

سوم، در رویکردهای مزبور، منابع به مفهوم نئوکلاسیکی و ذاتی درک می‌شود، یعنی منابع عوامل تولیدی هستند که ماهیت و جایگاه آن‌ها به وسیله روابط داده-ستانده از پیش تعریف شده، مشخص است(Bathelt , Gluckler, 2005: 1545-1563). مثلا منابع معدنی و منابع نفتی به عنوان عواملی تلقی می شوند که در هر صورت، صرف نظر از شرایط اجتماعی و موقعیت فناوری، موجب توسعه تولید می‌شود. در این رویکردها، متغیرهای" موقعیت مکانی"، "دسترسی"و " وفور منابع طبیعی"، از عوامل اصلی رشد اقتصادی تلقی می شوند.

محققان بسیاری چون امین(Amin, 1994) و مسی(Massey, 1985)، به اشکال مختلف، ایده مفهوم-سازی جغرافیای اقتصادی را به عنوان "علم فضایی" که واقعیت های اقتصادی و اجتماعی عمل اقتصادی

---

[۱] Paul Krugman
[۲] Geographical economics
[۳] Geographical Area
[۴] Distance

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

را نادیده می‌گیرد، و بر عوامل" موقعیت مکانی"، "فاصله" و "دسترسی" به منابع طبیعی" با مفهومی خاص، تأکید دارد، انتقاد دارند.

هدف تحقیق حاضر نگاهی انتقادی به دیدگاه تحلیل فضایی در جغرافیای اقتصادی از منظر جغرافیای اقتصادی رابطه‌ای و دیدگاه تثلیث مقدس[۱]است و سعی بر اثبات این مسئله دارد که تحلیل فضایی و تأکید بر عوامل موقعیت مکانی، فاصله و دسترسی به منابع طبیعی در توسعه اقتصادی نواحی توجیه‌پذیر نیست و نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های اقتصادی نواحی در جهان در حال تحول کنونی باشد. از آنجا که انجام چنین آزمونی نیازمند استفاده از داده‌های محلی در سیستم‌های سیاسی-نهادی مختلف است، تحقیق، به ناچار از زاویه‌ای خاص، روی دو ناحیه خوزستان و یزد به عنوان" نواحی مختلف درسیستم سیاسی- نهادی واحد" و دو ناحیه نوگالس آریزونا و نوگالس سورونا به عنوان" نواحی واحد درسیستم سیاسی- نهادی مختلف" متمرکز شده است تا از این طریق بتواند دیدگاه تحلیل فضایی را مورد واکاوی قرار داده و رویکرد جایگزین(تثلیث مقدس) را ارائه نماید.

۲) مبانی نظری

میخائیل استارپر (۱۹۹۷، ۲۶)، در مطالعه خود تحت عنوان " جهان منطقه‌ای"، چنین استدلال می-کند که تکنولوژی، سازمان و سرزمین می‌تواند به عنوان تثلیث مقدس، توسعه منطقه‌ای تلقی شود. این تثلیث، مطالعه مجموعه‌ای از عناصر مرکب نیست، بلکه باید برحسب روابط بین این عناصر مطالعه شود و این روابط، اقتصاد منطقه‌ای را شکل می‌دهد.

اقتصاد منطقه ای به طور خاص و اقتصاد یکپارچه سرزمینی به صورت عام، به عنوان" ذخایر دارایی-های منطقه‌ای"[۲]باز تعریف می‌شود. اقتصاد منطقه‌ای(سرزمینی) در دنیای جهانی شده، تنها از طریق مجاورت روابط داده –ستاده ایجاد نمی‌شود، بلکه بیشتر در اثر مجاورت ابعاد غیرقابل تجاری یا ارتباطی سازمان‌ها و فناوری‌ها تکمیل می‌شود. دارایی اصلی آن‌ها به آرامی و از طریق رابطه‌ای ایجاد می‌شود(Storper, 1997: 28).

بر اساس نظریه استارپر، با وجود پیشرفت‌های انقلابی در فناوری اطلاعات، ارتباطات و حمل و نقل، سیستم‌های تولید محلی همچنان نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. به نظراو اهمیت مستمر مجاورت تا حد زیادی به دلیل مزایای مربوط به کاهش هزینه‌های معاملات و افزایش قابلیت‌های یادگیری سازمانی و تکنولوژیکی در مجموعه‌های تخصصی فعالیت‌های اقتصادی مرتبط است. جدا از وابستگی های متقابل تجاری[۳] که متغیرهای کلیدی در ادبیات علم منطقه‌ای و اقتصاد نئوکلاسیک است،

[۱] Holy Trinity

[۲] stocks of relational assets

[۳] Traded interdependencies ، وابستگی متقابل اقتصادی به شرایطی گفته می شود که دو یا چند شخص ، سازمان ، منطقه یا کشور کالا و خدمات را با هدف برآوردن نیازهای متعدد یکدیگر مبادله کنند. این اصطلاح بیشتر در مورد تجارت فشرده بین دو یا چند شرکت کننده اعمال می شود تا از دسترسی مناسب محصولات و خدمات به هریک از آنها اطمینان حاصل شود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

وابستگی‌های غیر تجاری[۱] نقش مهمی در ایجاد ارتباطات، سازگاری و فرآیندهای یادگیری و تطبیق جریان دانش بین عوامل اقتصادی ایفا می‌کند. وابستگی‌های غیر تجاری در روابط بین مردم و وجود قراردادها تجسم یافته‌اند، که در قالب هنجارها، قوانین و شیوه‌های پذیرفته شده بیان شده است. روابط و قراردادها نیز محلی هستند زیرا به افراد، شرکت ها و مکان‌های مربوط محدود می‌شوند و نمی‌توان به راحتی آن‌ها را به مکان‌های دیگر منتقل کرد.

برای درک ماهیت پیچیده تولید اقتصادی و جغرافیای آن، استارپر، فناوری، سازمان و قلمرو را به عنوان ستون‌های تشکیل‌دهنده جغرافیای اقتصادی شناسایی می‌کند، این سه ستون یک تثلیث مقدس را تشکیل می‌دهند که از آن طریق فرایندهای اقتصادی و اجتماعی و تعاملات و روابط قدرت قابل تجزیه و تحلیل است. بنابراین، تثلیث مقدس یک مفهوم‌سازی از جغرافیای اقتصادی است که با علم منطقه‌ای (تحلیل فضایی) تفاوت چشمگیری دارد و مرکب از سه ستون زیرین است:

الف، تکنولوژی، تغییرات تکنولوژیکی در کانون پویایی اقتصادی قرار دارد که به ظهور تولیدات و فرآیندهای جدید و زوال محصولات و فرآیندهای کهنه منجر می‌شود. تکنولوژی، به تدوین‌پذیری دانش بر می‌گردد و قلمرو اصلی آن، تنها پخش و توسعه نیست بلکه یادگیری و شدن[۲] است؛

ب، سازمان، این ستون بر اهمیت روش‌های سازماندهی شرکت‌ها و شبکه‌های شرکت‌ها و تأثیرپذیری این ساختارهای سازمانی از نهادها تأکید دارد. بدین ترتیب، این مفهوم‌سازی را می توان به عنوان یک رویکرد نهادی نیز توصیف کرد. روابط بین سازمان‌ها با یکدیگر تنها به عنوان روابط داده-ستاده یا ارتباطات ساده با یکدیگر تکمیل نمی‌شود، بلکه بر اساس وابستگی‌های متقابل غیرتجاری است(Leydesdorff et all, 2004: 1-35)؛

ج، سرزمین، در سطح سرزمینی، می توان تکامل سازمان‌ها و فناوری‌ها را تجزیه و تحلیل کرد. از طریق ارتباطات ورودی و خروجی منطقه‌ای، انتقال دانش و تنظیمات بین شرکت‌ها، اثرات سرریز و فرآیندهای یادگیری، رقابت جمعی عوامل منطقه‌ای که در یک زنجیره ارزش با هم مرتبط هستند، افزایش می‌یابد.

استارپر مکانیزم‌هایی را معرفی می‌کند که به وسیله آنها زمینه‌های اجتماعی-نهادی فرآیندهای خوشه‌بندی جغرافیایی تولید صنعتی برانگیخته می‌شود و یک چارچوب توضیحی ارائه می‌دهد که به جای آرایش فضایی، بر عوامل اقتصادی متمرکز است. دیدگاه تثلیث مقدس، مفهوم دیگری از نقش فضا و سرزمین ارائه می‌دهد. از جمله:

---

[۱] Untraded interdependencies ، مزایای ناملموس که شرکتها در اثر تجمع به دست می آورند. برخی از سود حاصل از تجمع معامله می شود ، یعنی می توان بهای تمام شده یا کمی را تعیین کرد. به عنوان مثال ممکن است هزینه حمل و نقل کمتر برای تامین قطعات باشد. برخی دیگر، به عنوان مثال ، حمایت اتاق های بازرگانی یا مزایای افزایش تعامل رو در رو ، که چندان آشکار نیست.

[۲] learning and becoming

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

یکم، به منظور اجتناب از تفسیرهای جبری از نقش فضا، این دیدگاه، فضا را به عنوان چشم‌انداز تصور می‌کند. در اینجا، به جای دیدگاه خرد عمل اقتصادی، دیدگاه جغرافیایی برای هدایت تحلیل فرآیندهای اقتصادی استفاده می‌شود؛ و

دوم، ادغام فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی از دیدگاه فضایی، برای کاهش وسوسه تجزیه و تحلیل پویایی اقتصادی جدا از روابط و ویژگی‌های "فضایی"، از لنزجغرافیایی برای متنی‌سازی همه فرایندهای اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شود. اقتصاد و اجتماع به عنوان دو ماهیت مجزا تصور نمی‌شود و به عنوان ابعادی انتزاعی به دور از محل، قابل درک نیست(Bathelt, Gluckler, 2001: 34-36).

در نظریه استارپر، مفهوم منابع طبیعی نیز با درک نئوکلاسیکی و ذاتی منابع متفاوت است. منابع مادی به طور اتومات به عنوان عوامل با یک ارزش مصرفی ذاتی و کاربرد از پیش تعیین شده دیده نمی-شوند. منابع می‌تواند به روش‌های بسیار مختلف برای مقصودهای متفاوت استفاده شود. ارزش کاربری منابع وابسته به کانتکست‌های اجتماعی است که درون آن اهداف و توانایی ها شکل می گیرد و ممکن است رقابت‌پذیری را تقویت کند (Bathelt , Gluckler, 2005: 1545-1563). این دیدگاه، دارای ویژگی-های خاصی است. از جمله:

الف، به جای بازنمایی فضایی، بر نقش بنگاه‌های اقتصادی متمرکز می‌شوند؛

ب، در پایدارسازی روابط اقتصادی، از تحلیل نهادی بهره می‌برند؛

ج، جهت درک روندهای اقتصادی و اجتماعی، تحلیل فضایی را بسنده نمی‌دانند؛

د، نقش جهانی شدن در سازمان اقتصادی محلی مورد توجه قرار می‌گیرد؛

ه، بر دیدگاه سیاست‌های فعال منطقه ای، مبتنی بر نظریه بازیگر شبکه[۱] تأکید می‌شود(Sayer, ۲۰۰۰). نظریه بازیگر - شبکه (ANT) یک رویکرد نظری و روش شناختی است که در آن همه چیز در جهان اجتماعی و طبیعی در تغییر مداوم شبکه‌های روابط وجود دارد و هیچ چیز خارج از آن روابط وجود ندارد. هیچ نیروی اجتماعی بیرونی فراتر از تعامل شرکت‌کنندگان در شبکه وجود ندارد، اشیاء، ایده‌ها، فرایندها و سایر عوامل مرتبط به اندازه انسان در ایجاد موقعیت‌های اجتماعی اهمیت دارند(Bencherki,2017)؛

و، عمل و عکس‌العمل اقتصادی، متنی[۲] است یعنی، روابط اقتصادی در چارچوب خاصی از روابط اجتماعی، نهادی و فرهنگی جای گرفته است و از آنها به آسانی جدایی‌پذیر نیست. روابط اقتصادی حاصله می تواند از نظر ویژگی رسمی (مبتنی بر قرار داد)[۳] یا غیر رسمی(اعتماد مبنی)[۴] باشد. عمل اقتصادی وابسته به مسیر[۵] است به مفهومی که تصمیمات اتخاذ شده در گذشته، تصمیمات امروز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عمل اقتصادی، اقتضایی[۶] است یعنی عمل اقتصادی به رغم وابسته به مسیر بودن ماهیت،

---

۱ Actor network focus
۲ contextuality
۳ Contract-based
۴ Trust-based
۵ Path-dependence
۶ Contingency

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

روندهای اقتصادی از پیش تعیین شده[۱]نیست. استراتژی های جمعی و فردی، احتمالی و اقتضایی است که به آسانی می تواند به انحراف از ساختار موجود منجر شود(Bathelt and Glückler, 2003:117-144)؛

ز، منابع مادی و شرایط مکانی کلاسیک، ضرورتاً عمل اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتایج مورد نظر و ناخواسته اقدامات اقتصادی مرتبط، به نوبه خود، ساختار این منابع را تحت تأثیر قرار می-دهد(Bathelt,2006: 233-236) و یک فرایند بازتابی ایجاد می‌کند که از طریق آن منابع دائماً تجدید شکل پیدا می‌کنند. از این رو، منابع به صورت رابطه‌ای ایجاد می‌شوند و بر فرایندهای جمعی تولید و کاربرد منابع تکیه می کنند (Bathelt, Glückler, 2003)؛ و

ح، خوانش رابطه‌ای از مکان مطرح است در این خوانش، "ایده محلی محصور شده" مقبول نیست بلکه جهانی وجود دارد که از درون محلی توسعه و تحول می‌یابد. بر اساس این دیدگاه، به جای ویژگی‌های ناحیه‌ای ایستا، ارتباطات و تجلیات جغرافیایی چندگانه، کانون سیاست ناحیه‌ای می‌شود؛ نواحی هستی خود مختاری نیستند که قادر باشند آینده خود را، انحصاراً بر اساس قدرت داخلی خود تعیین کند؛ تولید و شبکه‌های دانش محدود به محل نیست، به علاوه، سیاست‌های ناحیه‌ای نمی‌تواند به طور کامل این فضای گذر جدید را کنترل کند؛ به جای محافظت از محلی به ظاهر منسجم، در برابر جهانی متناقض، سیاست‌های ناحیه‌ای باید به یک سیاست" فعالیت‌های محلی در متن جهانی" تبدیل شود. در عین حال، محل، با منطق جهانی اداره نمی‌شود که فضایی برای نوآوری‌های محلی نداشته باشد (Bathelt & Boggs,2005).

پیامد این مفهوم‌سازی آن است که امکان ندارد ناحیه‌ای مستقل از روابط اجتماعی و اقتصادی بین مردم و شرکت‌هایی که آنها را بهم مرتبط ساخته است، تحلیل شود. این به مفهوم آن نیست که مجاورت فضایی به طور اتومات به تأسیس شبکه‌های محلی قوی منجر می‌شود بلکه، این مجاورت رابطه‌ای است که تعامل اجتماعی را فعال می‌سازد و منبع رقابت‌پذیری می‌شود. این نوع وابستگی[۲]می‌تواند بین بازیگرانی که در بخش‌های مختلف دنیا جای دارند و از طریق تکنولوژی‌های مدرن و توسعه نهادی حمایت می‌شوند نیز، توسعه یابد(Bathelt and Glückler, 2002;Allen, 2004).

الف، نقش موقعیت و فاصله در رشد اقتصادی

در مورد نقش موقعیت مکانی و عامل فاصله در توسعه اقتصادی نواحی، مطالعات متعددی انجام شده است. از جمله، برای نخستین بار در سال ۱۸۲۶میلادی، "فون تونن"، اقتصاد دادن آلمانی کوشید تا نحوه استقرار فعالیت را بر مبنای موقعیت و ارزش اراضی از لحاظ نوع کاربری و در ارتباط با تفکیک فضایی فعالیت‌ها توضیح دهد. سهم عمده فون تونن در نظریه استقرار فضایی، شناخت او از نقش تعیین کننده "بهره موقعیتی" در بهره‌گیری از اراضی کشاورزی و نظم‌پذیری الگوهای بهره در ارتباط با بعد مسافت بود که خود را به شکل هزینه‌های جابجایی(حمل و نقل) نشان می‌داد. از نظر تونن، وجه اساسی در تبیین محل استقرار هر نوع فعالیت، به ارزش و بهره اقتصاد زمین باز می‌گشت(سعیدی، حسینی

[۱] pre-determined
[۲] affinity

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

حاصل، ۲۹:۱۳۸۸). کریستالر در نظریه مکان مرکزی اظهار می دارد که نحوه استقرار سکونتگاه‌ها تابع اصولی قانونمند است و کارآمدترین شکل نظری حوزه‌های بازاری، شش ضلعی است که با حداقل‌سازی هزینه‌های جابجایی در رابطه است و می‌تواند طبق فرمول‌های هندسی تبیین شود(سعیدی، حسینی حاصل، ۳۶:۱۳۸۸).

اقتصاد نئوکلاسیک اغلب به دنبال آن بوده است که با تجمیع جغرافیایی بنگاه‌ها، بین آنها صرفه مقیاس ایجاد کند و هزینه‌های حمل و نقل و بازاریابی را کاهش دهد. چون این مکتب از جمله عوامل مهم شکست بازار را نقصان اطلاعات، هزینه‌های جابجایی و فواصل جغرافیایی با ویژگی‌های خاص کالاها و خدمات می‌داند، تلاش کرده است که برای رفع عدم تقارن‌های اطلاعاتی، تسهیل انتشار نتیجه پژوهش-ها، جابجایی منابع انسانی و تسهیل همکاری‌های محیطی از انگیزه‌های همجواری جغرافیایی استفاده کند(شاوردی، سلطانی، ۱۳۹۸ : ۳۱۶). بسیاری کوشیده‌اند که "اثر انتشار"[1]، سرمایه‌گذاری در نواحی بزرگ شهری را عامل انتشار نتایج توسعه به نواحی مجاور بر پایه رویکرد قطب رشد(مجاورت جغرافیایی) معرفی کنند ولی مطالعات انجام شده در این زمینه در ایران نشان داده است که چنین روند " رخنه به پایینی"[2]، محقق نشده و مجاورت جغرافیایی در همه حال به انتشار دستآوردهای توسعه منجر نشده است (افراخته، ۱۳۹۵: ۸۹-۱۰۲)، نگاهی به کمربند حاشیه‌نشین‌های محروم پیرامون شهرهای پر رونق کشور(تهران، تبریز، اصفهان، شیراز) مبین چنین ادعایی است.

در بررسی نقش فاصله در توسعه اقتصادی، دو معیار برای محاسبه فاصله اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

یکم، هزینه حمل کالا، خدمات و سرمایه فیزیکی، که برای اندازه‌گیری آن از هزینه حمل و نقل کالا استفاده می شود؛ و

دوم، هزینه انتقال ایده و ابداعات که برای اندازه‌گیری آن از هزینه تحرک سرمایه انسانی مثل هزینه بلیط هواپیما استفاده می‌شود (Conely,T., Ligon,E., 2002).

بر اساس این دیدگاه، هر چه فاصله کمترباشد، سرریز دانش و تکنولوژی بیشترخواهدبود، فاصله کمتر، هزینه جابجایی نیروی کار را کاهش می‌دهد و هزینه جابجایی کمتر، موجب تقسیم کار بیشتر، افزایش مهارت، تخصص و بهره‌وری بیشتر خواهد بود، به دلیل نقش عامل "فاصله" است که "همسایگی و مجاورت" اهمیت پیدا می‌کند.

براتا[3] (۲۰۰۹: ۱۷-۱) در تحقیق خود نتیجه گرفته است که هرچه فاصله منطقه‌ای از سایر مناطق و بخصوص مناطق با چگالی بالای اقتصادی کمتر باشد، آن منطقه می‌تواند دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تری به فرصت‌های موجود، نظیر اطلاعات، تکنولوژی، بازارهای نیروی کار، مشتری کالاهای تولیدی و عرضه کنندگان مواد اولیه داشته باشد که اثر مثبتی بر رشد وتوسعه آن منطقه دارد. با این حال، ایشان تردید

[1] Spread effect
[2] Trickle down
[3] Brata

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

دارد که عوامل جغرافیایی(فاصله تا مراکز اقتصادی، موقعیت مناطق و خوشه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی) به تنهایی بتواند اثر مثبتی در عملکرد اقتصادی مناطق داشته باشد.

کانیلز و ورسپاگن[۱](۱۹۹۹)، به این نتیجه رسیده‌اند که شدت "سرریز "[۲]ها بستگی به فاصله جغرافیایی بین منطقه ها دارد؛ آنها برای نقش مجاورت در سرریز دانش و تأثیر تجمیع اقتصادی بر رشد اقتصادی اهمیت بسیاری قائل شده اند. فاصله اقتصادی اشاره به سهولت و سختی انتقال کالاها، خدمات، نیروی کار، سرمایه، اطلاعات و ایده بین مناطق دارد. این متغیر از طریق تأثیر بر استقرار بنگاه‌ها و سرریزهای دانش و اندازه بازار بالقوه بر رشد اقتصاد منطقه مؤثر است. دهقانی شبانی و اکبری (۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۲۲)، با هدف تحلیل تأثیر متغیر فاصله اقتصادی بر رشد منطقه‌ای در ایران مطالعه ای انجام داده-اند. در این مطالعه، با استفاده از آمار ۲۸ استان ایران طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ و با استفاده از تکنیک داده های تابلویی پویا[۳] تأثیر متغیر فاصله بر رشد منطقه‌ای در ایران مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق، بیان کننده اثر منفی فاصله اقتصادی بر رشد منطقه‌ای در ایران بوده است. آنان دریافته‌اند که فاصله اقتصادی مرتبط با فاصله اقلیدسی است اما دسترسی و کیفیت زیر ساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات نیز بر آن اثر گذار است. فاصله اقتصادی بیان‌کننده دسترسی به بازار برای مبادله کالا، خدمات و ایده است که به صورت زمان یا هزینه پولی در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، با افزایش فاصله اقتصادی(هزینه حمل و نقل کالا درون و بین استان ها و افزایش هزینه انتقال ایده) بین استان‌ها، رشد اقتصادی کاهش می‌یابد(دهقانی شبانی، اکبری، ۱۳۹۴، ۲۰۳-۲۲۲).

در مطالعه "بررسی تأثیر توسعهٔ زیرساخت‌های حمل و نقل بر رشد اقتصادی استان‌های ایران"با استفاده از مدل داده های تابلویی و اطلاعات سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰، میزان تأثیر توسعهٔ زیرساخت های حمل و نقل بر رشد اقتصادی استان های منتخب ایران بررسی شده است. نتیجه نشان داده که شاخص زیرساخت حمل و نقل بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد (افشارپور و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۱-۱۴۰).

به نظر اکبری و همکاران(۱۳۹۰، ۱۰۶-۸۷)، اثر فاصله اقتصادی بر رشد اقتصادی منطقه منفی و معنادار است. به نظر آن ها هرچه فاصله اقتصادی یک استان از استان های دیگر بیشتر باشد، دسترسی به فرصت های موجود، برای استان مورد نظر کاهش می یابد و استان نمی تواند از سر ریزهای حاصل از مجاورت، از جمله تبادل اطلاعات و انتقال تکنولوژی، دسترسی بیشتر به بازارهای نیروی کار و دسترسی راحت‌تر بنگاه ها به مشتری، برخوردار شود.

پیشینه‌های مرتبط با پژوهش به شرح زیر است:

ب، نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی

مطالعات زیادی به اثر مثبت وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی باور دارند و معتقدند که فراوانی منابع طبیعی چون خاک مناسب، آب فراوان و منابع معدنی نقش اساسی در توسعه اقتصادی نواحی به

[۱] Caniels & Verspagen

[۲] Spoil over

[۳] داده های تابلویی ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی است، یعنی اطلاعات مربوط به داده های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

عهده دارد. شاه آبادی و همکارانش در پژوهشی با عنوان" اثرات مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب"(۱۳۹۴: ۹۹-۱۲۸)، اثرات مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی را بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب غنی از منابع طبیعی، طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۴ مطالعه کرده‌اند ونتیجه گرفته‌اند که مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی مثبت است.

گروهی بر این عقیده‌اند که صرف وجود منابع طبیعی در یک ناحیه نمی‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود و چه بسا که وفور منابع طبیعی مانع رشد اقتصادی باشد. بهبودی و همکاران(۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۴۷)، می نویسندکه در اقتصاد نفتی، استفاده نامناسب از فراوانی منابع طبیعی و اتکای بیش از حد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، باعث پایین نگه داشته شدن و نادیده گرفتن عامل سرمایه انسانی شده است، از این رو، این کشورها به رغم داشتن منابع طبیعی بسیار، رشد اقتصادی پایدار و بالایی را تجربه نمی‌کنند. تحقیق دیگری که اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی دو کشور ایران و نروژ را طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۷۰، مطالعه کرده نشان می‌دهد که منابع طبیعی در ذات خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت مانعی برای رشد اقتصادی این کشورها نیست(شاه آبادی، صادقی، ۱۳۹۲: ۲۱-۴۳).

کارشناسان و مبارک(۱۳۹۲: ۳۱-۴۸)، در مقاله‌ای تلاش کرده‌اند که اثرات وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را با در نظر گرفتن نقش کیفیت نهادی مورد بررسی قرار دهند. بدین منظور، اثرات کیفیت نهادی مانند اثربخشی دولت و کنترل فساد در کنار عامل وفور منابع طبیعی بر روی رشد اقتصادی کشورهای دارای اقتصاد نفتی طی دوره زمانی ۲۰۰۷- ۱۹۹۶ با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه تحقیق آنها نشان داده که طی دوره زمانی مورد بررسی، وفور منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنی دار بر رشد اقتصادی بوده است، ولی کیفیت نهادی اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است.

در مطالعه دیگری تحت عنوان " اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی و نقش کیفیت نهادها"، اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک و نقش کیفیت نهادها در بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ تحلیل شده است. در این مطالعه، از شاخص‌های رعایت حقوق مالکیت معنوی، شاخص آزادی تجارت، کیفیت سیستم قضایی و مقررات کسب و کار به عنوان شاخص‌های کیفیت نهادها و حاصل‌ضرب این شاخص‌ها در درآمدهای نفتی به عنوان شاخص بهبود کیفیت نهادها استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داده که شاخص کیفیت نهادها، درجه باز بودن اقتصاد و تحصیلات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک اثر مثبت و ذخایر نفتی بر رشد اقتصادی در این کشورها اثر منفی دارد که با افزایش کیفیت نهادی در کشورهای مورد بررسی، نفرین منابع، تبدیل به موهبت شده است(منصور آبادی، خداپرست شیرازی، ۱۳۹۸: ۱۹۲-۱۷۵).

داداش‌پور و رستمی(۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۳۸) اظهار می‌دارند که خوزستان با دارا بودن منابع فیزیکی و معدنی، نفت و گاز، فعالیت‌های استخراجی و پالایشی، انتقال و تولید فرآورده‌های نفتی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، مبادی مهم ورودی و خروجی کالا، سابقه چهل ساله برنامه‌ریزی استانی، نزدیکی به بازار فراملی در سواحل جنوب، همجواری مناسب، بازدهی کلی اقتصادی پایینی دارد؛ نرخ مشارکت اقتصادی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

پایین است؛ منابع آب و خاک و هوا آلوده است؛ مشکل بی آبی وجود دارد؛ سهم سرمایه‌گذاری ملی در بخش‌های پیشرو اقتصاد استان پایین است؛ و بهره‌برداری از امکانات بالقوه توسعه صنعتی ناکافی است. گرچه ایشان،تسلط تفکر استخراجی را سبب توسعه نیافتگی خوزستان معرفی می که این تفکر موجب زهکشی از منظر محیطی، انحصارخواهی از منظر اقتصادی، تسلط مرکز در عین تفویض اختیار به پیرامون از منظر سیاسی، وابسته‌سازی از منظر فرهنگی می‌شود، اما نمی‌تواند منکر این واقعیت شود که خوزستان به رغم وفور انواع منابع طبیعی توسعه پیدا نکرده است.

سعیدی وهمکاران، در پژوهشی با عنوان:" تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین با تأکید بر برنامه‌ریزی فضایی"(سعیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱-۵۸)، به این نتیجه رسیده که عنصر توپوگرافی و منابع آب، از جمله عناصر اصلی در نحوه استقرار و توزیع جمعیت و خدمات در سطح ناحیه است. به نظر آنان، در قسمت دشتی که دسترسی به منابع آب سطحی و خاک مناسب است، تراکم نقاط شهری و روستایی و دسترسی به خدمات بهتر دیده می‌شود و چنین استنباط می‌کنند که در خمین، بین وجود منابع طبیعی و سطح توسعه رابطه معنی‌دار وجود دارد.

مروری به ادبیات موضوع، دو نکته را آشکار می سازد:

یکم، بر اساس ایده های نئوکلاسیکی، منابع طبیعی به مفهوم ذاتی، عامل رشد اقتصادی است. درک نئوکلاسیکی و ذاتی، منابع را به عنوان عوامل تولید مشخص شده به وسیله روابط داده-ستانده از پیش تعریف شده می بیند(Bathelt , Gluckler, 2005: 1545-1563)؛ و

دوم، موقعیت مکانی و مجاورت جغرافیایی تعیین کننده هزینه حمل و نقل، و در نتیجه عامل رشد اقتصادی است و بر همین اساس نیز رویکردهای نئوکلاسیکی معتقدند" هر فعالیت و تولید حاصل از آن، با عنایت به نوع، بهره موقعیتی و هزینه‌های حمل و نقل، در فاصله ای دور یا نزدیک نسبت به شهر اصلی مستقر می‌شود" (سعیدی، ۶۷:۱۳۹۹) که شالوده مدل های مکان مرکزی را تشکیل می‌دهد.

تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات مذکور آن است که در اینجا، با درک منابع از منظر رابطه‌ای[1] نشان داده شده است که موقعیت مکانی و مجاورت جغرافیایی به خودیِ خود، نمی‌تواند تبیین‌کننده توسعه اقتصادی نواحی باشد.

۳) روش تحقیق

در این مقاله از منطق رئالیسم انتقادی استفاده شده است. در این نگاه، جهان بیرون و مستقل از ذهن وجود دارد اما معرفت معتبر نسبت به جهان تنها از طریق واکاوی انتقادی تجارب مربوط به متن اجتماعی صورت می‌گیرد. مسئله اجتماعی مسئله باز است و نمی‌توان در آن از سطح لایه تجربی سخن گفت. در این نوع معرفت‌شناسی، علم هم محصول کشف و هم محصول برساخت اجتماعی و خلاقیت است و به خاطر همین خلاقیت و ابداع ذهن است که می‌توان به وارسی نقادانه تجارب پیشین از جهان اجتماعی پرداخت و معرفت معتبرتری برگزید(بنی فاطمه و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۰-۵۷). به نظر باسکار، واقعیت

[1] Relational

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

اجتماعی یا همچون دنیایی در نظر گرفته می‌شود که به طور اجتماعی برساخته شده و در آن بخش‌ها یا صحنه‌های اجتماعی محصول منابع شناختی‌ای هستند که کنشگران اجتماعی وارد آن‌ها می‌کنند یا به عنوان آرایش هایی اجتماعی که محصول ساختارهای مادی اما غیر قابل مشاهده روابط اجتماعی هستند. هدف علم واقع‌گرا عبارت از تبیین پدیده‌های قابل مشاهده با ارجاع به ساختارها و مکانیسم‌های زیربنایی است(بلیکی، ۱۳۸۴:۱۴۵).

ماهیت تحقیق حاضر به گونه‌ای است که امکان جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، در سطح خرد محلی میسر نیست. زیرا در این مطالعه لازم است قلمرو سیستم‌های سیاسی- نهادی متفاوتی مورد بررسی قرار گیرد و چنین سیستم هایی را تنها می توان در سطوح ملی شناسایی کرد. از این رو، اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی جمع‌آوری شده است و دو نمونه به عنوان مصداق معرفی شده و در آنها داده‌های مورد نیاز تحقیق جمع آوری شده است. یکی از این نمونه‌ها، دو استان خوزستان و یزد به عنوان"نواحی مختلف درسیستم سیاسی- نهادی واحد"، و دیگری ناحیه "نوگالس آریزونا" در ایالات متحده آمریک و "نوگالس سونورا" در کشور مکزیک به عنوان" نواحی واحد در نظام‌های سیاسی- نهادی مختلف" است.

در تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از تحلیل گفتمان استدلال[۱] و ساختارگرا استفاده شده است که نوعی ارتباط به منظور متقاعد کردن مخاطب با استفاده از شواهد و دلایل است و ماهیت تفسیری و تبیینی دارد و ساختارگراست به این مفهوم که در واحد مشخصی که بزرگ‌تر از جمله است، نظم و زنجیره گفتمان را با دقت واکاوی می‌نماید(محمد پور،۱۳۹۳: ۱۴۴- ۱۴۹).

۴) یافته‌های تحقیق

الف، نواحی مختلف درسیستم سیاسی- نهادی واحد

خوزستان و یزد دو ناحیه با ویژگی‌های موقعیتی و دسترسی به منابع طبیعی متفاوت در یک سیستم سیاسی- نهادی واحد قرار دارند. جدول شماره ۱، برخی شاخص‌های دو ناحیه خوزستان و یزد را در سال ۱۳۹۵نشان می‌دهد. بر اساس جدول مزبور، خوزستان از نظر موهبت طبیعی به مراتب از یزد غنی‌تر است. شربت اوغلی با استفاده از ۲۶ شاخص شامل تراکم جمعیت در کیلومتر مربع، نسبت جمعیت شهری، سرانه وام از بانک کشاورزی، سرانه وام از تعاونی کشاورزی، تعداد کارخانه در برابر یک میلیون جمعیت، سرانه ارزش افزوده، بهروه‌وری نیروی کار، متوسط مزد و حقوق، تخت بیمارستانی، پزشک در برابر ۱۰۰ هزار نفر، دندانپزشک در برابر ۱۰۰هزار نفر، مدارس ابتدایی، دبیرستان، نسبت دانش‌آموزان دبیرستانی به دبستانی، دانشجویان مدارس فنی، مسکن دارای آب لوله‌کشی به تفکیک شهر و روستا، تسهیلات پستی، درآمد سرانه شهرداری‌ها، هزینه سرانه شهرداری‌ها، کل راه بر حسب کیلومتردر کیلومتر مربع، و تعداد مستخدمین بخش دولتی در سال‌های ۱۳۵۵(قبل از انقلاب) و ۱۳۶۵(بعد از انقلاب)، استان‌های ایران را به روش محاسبه ضریب تغییرپذیری[۲]از نظر سطح توسعه طبقه‌بندی کرده است. تحقیق ایشان نشان

[۱] argument
[۲] Composite Z score

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

می‌دهد که در سال ۱۳۵۵، ضریب تغییر پذیری خوزستان ۱۲,۲۱ بود که در رتبه چهارم کشوری قرار گرفته است و در سال ۱۳۶۵، با ضریب تغییر پذیری ۶,۸، در رتبه پنجم کشور جای گرفته است. در همین طبقه‌بندی، استان یزد، در سال ۱۳۵۵، با ضریب تغییرپذیری ۱۳,۱۷ و در سال ۱۳۶۵، با ضریب تغییرپذیری ۱۹,۷۱، در رتبه سوم توسعه در بین استان‌های کشور قرار داشته است(شربت اوغلی، ۱۹۹۱: ۱۳۲). این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که یزد از خوزستان توسعه‌یافته‌تر است در حالی که این استان نسبت به خوزستان منابع طبیعی آشکار کمتری دارد. خوزستان از نظر منابع آبی و خاک زراعی مناسب و معادن به ویژه معادن نفت و گاز، به مراتب غنی‌تر از یزد است. به عبارت دیگر وفور منابع طبیعی و موقعیت ممتاز تجاری و بین‌المللی خوزستان نتوانسته آن را حتی همطراز ناحیه یزد توسعه بخشد.

طبقه‌بندی سطح توسعه استان‌های ایران به روش تحلیل خوشه‌ای و با استفاده از داده‌های سال ۱۳۸۵نشان داده که نابرابری‌های منطقه ای در ایران نسبت به گذشته تشدید شده و تعداد استان‌های توسعه‌نیافته افزایش‌یافته است. در این طبقه‌بندی نیز استان یزد در سطح دوم توسعه و استان خوزستان با فاصله در سطح چهارم توسعه قرار گرفته است(توکلی نیا، شالی، ۱۳۹۱: ۲-۱۵)، یعنی همچنان استان یزد به مراتب از استان خوزستان توسعه یافته‌تر است.

سخائی و همکاران در سال ۱۳۹۴(۵-۲۶)، در تحقیقی با عنوان "پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی"، استان‌های ایران را بر حسب هفت نماگر اقتصادی سال ۱۳۹۱، طبقه‌بندی کرده است. در این طبقه‌بندی، یزد در ردیف هفت و خوزستان در ردیف ۱۸ قرار گرفته و نشان داده که یزد به مراتب از خوزستان توسعه‌یافته‌تر است. همین نابرابری با استفاده از داده های سال ۱۳۹۲ نیز مشاهده شده که ریشه آن به تبعیت از رویکرد نئوکلاسیکی و فقدان نهادهای تولیدگرا نسبت داده شده است(افراخته، ۱۳۹۹:۷۰).

مطالعه داداش‌پور و رستمی در سال ۱۳۹۸(۱۰۹- ۱۳۸)، نشان داد که خوزستان دارای منابع فیزیکی، معدنی، نفت، گاز، فعالیت های استخراجی و پالایشی، خطوط انتقال نیرو، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، مبادی مهم ورودی و خروجی کالا، سابقه چهل ساله برنامه‌ریزی استانی، نزدیکی به بازار فراملی در سواحل جنوب و همجواری مناسب است، اما بازدهی کلی اقتصادی پایینی دارد؛ نرخ مشارکت اقتصادی پایین است؛ منابع آب و خاک و هوا آلوده است؛ مشکل بی آبی وجود دارد؛ سهم سرمایه‌گذاری ملی در بخش‌های پیشرو اقتصاد استان پایین است؛ و بهره‌برداری از امکانات بالقوه توسعه صنعتی ناکافی است(داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۸: ۱۳۸-۱۰۹).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

جدول ۱. شاخص‌های منتخب دو ناحیه خوزستان و یزد در سال ۱۳۹۵

شاخص	خوزستان	یزد
مساحت به کیلومتر مربع	۶۴۰۱۹	۷۳۸۷۲
جمعیت۱۳۹۵ به هزار نفر	۴۷۱۰	۱۱۳۸
فاصله تا تهران	۹۷۶ کیلومتر	۶۲۸ کیلومتر
میزان متوسط بارش سالانه	۳۵۸ میلیمتر	۹۳ میلیمتر
رودهای مهم	اروند رود، کرخه ،کارون، جراحی	فاقد رود مهمی است
مساحت زمین زیر کشت به هکتار	۹۴۲۸۲۸	۱۱۴۲۹۰
مساحت جنگل ها به هکتار	۹۳۸۳۲۶	۱۰۷۰۹۶
مساحت مراتع به هکتار	۲۴۷۷۶۹۱	۶۵۱۸۰۰۷
پدیده های بیابانی(۱)	۵۲۱۳۴۱	۵۹۳۵۷۲۵
معادن	نفت، گاز، شن و ماسه، سنگ گچ، سنگ آهک و سیلیس	سنگ آهن، زغال سنگ، سرب و روی
رشد سهم محصول ناخالص داخلی بدون نفت سال ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۹(۲)	۱,۹۱	۲۸,۵۶
کارایی انرژی با استفاده از شاخص EEPI (۳)	۰,۰۲	۰,۱۷
متوسط بهره وری کل عوامل تولید **با** استفاده از شاخص مالم کوییست (۱۳۸۵-۱۳۹۳)(۳)	۰,۴۴۴	۰,۷۴۱

(۱)پدیده های بیابانی عبارتند از : کویر، تپه های ماسه ای، پهنه های ماسه ای، اراضی شورو نمکزار و اراضی بدون پوشش و بیرون زدگی سنگی
منبع: داده های استانداری ها ، سرشماری های نفوس و مسکن مرکز آمار ایران و رتبه بندی استان های کشور بر اساس برخی شاخص های آماری سال ۱۳۹۵ سازمان برنامه و بودجه
(۲) سازمان برنامه و بودجه ، حساب های منطقه ای
(۳) عرب مازار، خسروی،۱۳۹۷: ۵۷و۵۹

یافته‌های جدول۱، نشان می‌دهد که در دو ناحیه مزبور:

یکم، ناحیه خوزستان از نظر ویژگی‌های طبیعی سرزمین، وضعیتی به مراتب مستعدتر از ناحیه یزد دارد، منطبق بر دیدگاه‌های نئوکلاسیکی انتظار می‌رفت که سطح توسعه و نیز بهره‌وری عوامل تولید در ناحیه خوزستان بهتر باشد اما چنان که جدول نشان می‌دهد، کارایی انرژی و متوسط بهره‌وری کل عوامل تولید در ناحیه خوزستان به رغم شرایط بهتر اکولوژیکی و معدنی، پایین‌تر ار ناحیه یزد است.

دوم، از نظر نهادی و سازمانی، در هیچ یک از دو ناحیه مزبور، روند یادگیری جمعی از تاریخ نقشی ندارد؛ در طول زمان، ساختار سیاسی، حقوق مالکیت و ساختار اجتماعی اجازه شکل‌گیری نهادهای فراگیر و توسعه‌گرا را فراهم نکرده است؛ و زمینه شکل‌گیری رقابت در ناحیه فراهم نشده است. بنابراین، همیشه به جای وابستگی های غیر تجاری، وابستگی‌های تجاری تسلط داشته است. شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت شامل حقوق مالکیت فکری، حقوق مالکیت فیزیکی و محیط حقوقی و سیاسی است. این شاخص در ایران معادل ۴,۲ است و از نظر این شاخص، ایران در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، در رتبه ۱۰۹ و ۱۰۷ بوده است. شاخص محیط حقوقی و سیاسی کشور برابر ۳,۵ و نسبت به دو جزء دیگر وضعیت بدتری دارد یعنی فضای اقتصادی کشور به خاطر رواج فساد، عدم استقلال قوه قضاییه و عدم رعایت قانون توسط

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

مردم برای سرمایه گذاری و کسب و کار مناسب نیست(شاکری، ۱۳۹۵، ۱۲۲). نظام پاداش‌دهی در ایران به گونه‌ای است که تولید کنندگان کشور بی سابقه ترین فشارها را متحمل شده اند و غیر قابل تصورترین برخورداری ها نصیب کسانی شده است که به فعالیت سوداگری در پول و مستغلات مبادرت ورزیده‌اند(مؤمنی، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۹۴، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان به عنوان سود در ایران پرداخت شده است که این مبلغ معادل ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی در آن سال و همطراز با سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی و نیز معادل دستمزد ۱۱ میلیون نفر نیروی کار کشور با احتساب حد اقل دستمزد مصوب بوده است(مؤمنی، ۱۳۹۳).

به نظر سریع القلم(۱۳۹۰:۲۳)، در ایران ساختاری که فراگیر باشد، ساخته نشده است و اگر ساختاری بناشده، شخصیت مخالف توسعه و قبیله‌ای را تغییر نداده است، خلقیات استبدادی، استدلال و منطق را می‌بلعد؛ و

سوم، به رغم محیط طبیعی(سرزمین) تاحدی متفاوت به دلیل ساختار سازمانی و نهادی یکسان، جامعه تحول ابداعی در زمینه تغییر تکنولوژیکی را تجربه نکرده است. زیرا بهره وری عوامل تولید در ایران در وضعیتی نا مطلوب قرار دارد؛ اقتصاد ایران فاقد توانمندی لازم در ارتقای فناوری است؛ اقتصاد ایران نتوانسه است همه ظرفیت های نیروی انسانی خود را در بازار کار مشارکت دهد و فرصتی برای یاد گیری جمعی ایجاد نشده است؛ غالب بنگاه های تولیدی ایران اعم از بخش خصوصی و به ویژه بخش دولتی، زمینه ای برای رقابت سازنده ایجاد نکرده است؛ بازار سرمایه ایران توان جذب سرمایه های موجود و سرمایه خارجی را به نحوی سازنده نداشته است؛ بوروکراسی ناکارای ایران نتوانسته است الگوی مناسب توسعه را هدایت کند؛ و به جز درآمد صادرات نفت، تحول قابل توجهی در وضعیت اقتصاد ایران صورت نپذیرفته است(مؤمنی، نایب، ۱۳۹۵، ۱۲۱-۱۲۲). به همین دلیل، دو ناحیه متفاوت از نظر ویژگی‌های سرزمینی، به دلیل ساختار سازمانی و نهادی یکسان، تغییرات فناوری مثبتی را تجربه نکرده‌اند و ناحیه یزد که از نظر ویژگی‌های سرزمینی در مرتبه بعد از ناحیه خوزستان قرار دارد، از نظر برخی شاخص‌های توسعه، حتی در مرتبه بالاتر از خوزستان دیده می‌شود. بنابر این، فرض نقش موقعیت مکانی، وفور منابع طبیعی و فاصله در رشد اقتصاد نواحی پذیرفتنی نیست.

ب، نواحی واحد در نظام‌های سیاسی- نهادی مختلف

شهر " نوگالس" با حصاری از سیم خاردار به دو نیم تقسیم شده است. "نوگالس آریزونا" در ایالات متحده امریکا و "نوگالس سونورا" در کشور مکزیک قرار دارند.بنابر این دارای شرایط اکولوژیکی و پیشینه مشابهی هستند. جدول شماره ۲، شاخص های اقتصادی دو شهر "نوگالس آریزونا" در ایالات متحده امریکا و "نوگالس سونورا" در کشور مکزیک را نشان می‌دهد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

جدول ۲. مقایسه شاخص‌های اقتصادی دو شهر نوگالس

شاخص‌ها	نوگالس (آمریکا)	نوگالس سونورا(مکزیک
متوسط درآمد خانوارها در سال	۳۰۰۰۰دلار در سال	۱۰۰۰۰دلار در سال
جوانان در حال تحصیل	اغلب جوانان	محدودی از جوانان
تحصیل بزرگسالان	اغلب تحصیلات متوسطه	تعداد کمتری تحصیلات متوسطه
مرگ و میر نوزادان	کم	زیاد
امید به زندگی	بالا	کم
جمعیت بالای ۶۵ سال	بسیار بالا	محدود
کارایی دولت	در مواردی ناکارآمد و فاسد	اغلب ناکارآمد و فاسد
ثبات و اعتماد به زندگی	با ثبات و بودن هراس	بی ثبات و همراه با هراس
هراس از سرقت و مصادره اموال	وجود ندارد	وجود دارد
راه اندازی کسب و کار	آسان و بی خطر	نیاز به مجوزهای مختلف و باز هم خطرناک
انتخاب شهردار، فرماندار و نمایندگان کنگره	از طریق رای مردم و دموکراسی جزء بدیهیات است	فساد بالا

منبع: عجم اوغلو، رابینسون، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۲

به رغم شرایط اکولوژیکی و پیشینه مشابه دو شهر، نوگالس شمالی توسعه‌یافته با رفاه نسبی بیشترخود نمایی می‌کند در حالی که نوگالس جنوبی شهری توسعه‌نیافته است. متوسط درآمد سالیانه خانوار نوگالس جنوبی، یک سوم نوگالس شمالی است. بر اساس آمار سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۲۰،امتیاز ایالات متحده آمریکا ۶۰,۵۶ ، رتبه کل ، ۳، نهادها،۹، تحقیق و سرمایه انسانی، ۱۲، زیرساخت، ۲۴، پیچیدگی بازار،۲، پیچیدگی کسب و کار، ۲، خروجی‌های دانش فناورانه،۳، و خروجی‌های خلاقانه۱۱ بوده است. در حالی که بر اساس همین گزارش در سال ۲۰۲۰، امتیاز مکزیک،۳۳,۶۰ و رتبه کل آن، ۵۵ بوده است.

از این نمونه چنین استنباط می‌شود که گرچه دو شهر در موقعیت مکانی یکسانی قرار دارند اما وجود آنها در دو نظام سیاسی، نهادی متفاوت، سبب شده که دو شهر مسیرهای رشد اقتصادی مختلفی را طی کنند. بنابر این، فرض نقش موقعیت مکانی و بازیگری نواحی در رشد اقتصادی پذیرفتنی نیست. گرچه دو شهر، شرایط اکولوژیکی و پیشینه اجتماعی مشابهی دارند ولی مغایرت های کنونی، از نظر ویژگی‌های فرهنگی، آداب، هنجارها و ارزش‌ها، آداب، در دو شهر، برونداد مسیر توسعه آن‌ها است و ربطی به موقعیت مکانی آنها ندارد زیرا همانگونه که چانگ[۱] (۱۳۸۵:۸۶-۴۹) معتقد است، بسیاری از نهادهای امروزی کشورهای ثروتمند، بعد از توسعه اقتصادی آن‌ها به وجود آمده‌اند؛ این نهادها قبل از توسعه آن کشورها وجود نداشته است.

۵) نتیجه‌گیری

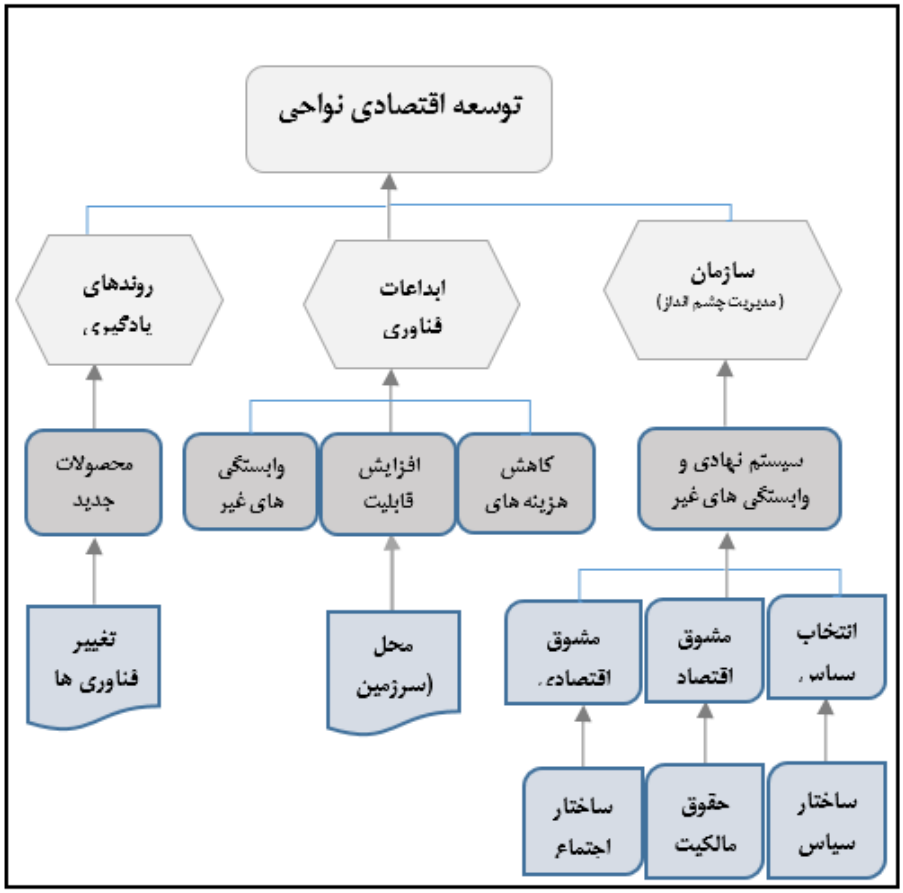
از یافته‌های تحقیق و مطالعه مدل‌های نمونه تحقیق چنین استنباط می‌شود که موقعیت مکانی و ماهیت ذاتی، تعیین‌کننده نقش اقتصادی نواحی نیست؛ ناحیه، بازیگر اقتصادی نیست؛ مجاورت

[۱] Ha-Joon Chang

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

جغرافیایی مفهومی مشروط و اقتضایی است؛ منابع طبیعی به مفهوم ذاتی بیانگر واقعیت جهان خارج نیست؛ نمونه‌های خوزستان، یزد و نوگالس سونورا، حاکی از آن است که در این نواحی، روندهای یادگیری جمعی و وابستگی‌های غیر تجاری جایگاهی نداشته یا بسیار ضعیف بوده است؛ و در نمونه نوگالس آریزونا، به رغم برخی ناکارایی ها و فساد، روندهای یادگیری و وابستگی‌های غیر تجاری ازجایگاه مطلوب‌تری برخوردار بوده است.

از سوی دیگر یافته ها نشان می‌دهد که رشد نواحی به ماهیت نهادی آن وابسته است، در هم تنیدگی غیر تجاری بین محل، تکنولوژی و سازمان، که از آن به عنوان تثلیث مقدس نام برده می‌شود. در این سیستم، محل(سرزمین) با استفاده از کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش قابلیت‌های یادگیری در متن روندهای جهانی و تقویت وابستگی های غیر تجاری، به توسعه فناوری‌ها کمک می‌کند. تغییر مثبت فناوری به ابداع محصولات جدید و روندهای یادگیری مربوطه منجر می شود و سازمان با تأثیرپذیری از نهادها، وابستگی‌های غیر تجاری را توسعه می‌دهد و هر سه ستون در روندی ارتباطی و بهره‌برداری ارتباطی از منابع طبیعی در متن اجتماعی، روند توسعه اقتصادی نواحی را به پیش می برد. شکل ۱، روند توسعه اقتصادی نواحی را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که انتقال فناوری امری غیر ممکن است.



شکل ۱. نمودار روند توسعه اقتصادی نواحی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

۶) منابع

- افراخته،حسن(۱۳۹۵)، **رویکردهای برنامه‌ریزی روستایی از منظر بومی‌سازی**، تهران، نشر دانشگاه خوارزمی.
- افشارپور، مهلا؛ مهرابی بشرآبادی، حسین؛ پهلوانی، مصیب(۱۳۹۳): **بررسی تأثیر توسعهٔ زیرساختهای حمل و نقل بر رشد اقتصادی استان‌های ایران**، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی شماره ۱۶، ۱۲۱-۱۴۰.
- اکبری، نعمت اله؛ خوش اخلاق، رحمان؛ دهقان شبانی،زهرا(۱۳۹۰): **تحلیل منطقه ای رشد اقتصادی در ایران ، با تأکید بر رهیافت**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره دوم،۸۷-۱۰۶.
- بلیکی، نورمن(۱۳۸۴): **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**، ترجمه حسن چاوشیان تهران ، نشر نی.
- بنی فاطمه، حسین؛ گلابی، فاطمه؛ شیلدز، راب؛ قریشی، فردین؛ بیانی، فرهاد(۱۳۹۷): **مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی اجتماعی رئالیسم انتقادی با تأکید بر آراء روی بسکار**، راهبرد فرهنگ، شماره ۴۴، ۳۰-۵۷.
- بهبودی، داوود؛ اصغرپور، حسین؛ ممی پور، سیاب(۱۳۸۸): **فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت**، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره۴۰ ، شماره ۱۳، ۱۲۵-۱۴۷.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ شالی، محمد(۱۳۹۱): **نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران**، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۸، ۲-۱۵.
- چانگ، هاجون(۱۳۸۵): **توسعه نهادی از منظر تاریخی**، ترجمه جعفر خیرخواهان، مجله اقتصاد سیاسی سال اول، شماره دوم، ۴۶- ۶۹.
- داداش‌پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز(۱۳۹۸): **ساز وکارها و قانونمندی‌های حاکم بر قفل شدگی توسعه منطقه ای در استان خوزستان**، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۳)، ۱۰۹- ۱۳۸.
- دهقان شبانی، زهرا؛ اکبری، نعمت الله (۱۳۹۴): **فاصله اقتصادی و رشد منطقه‌ای در ایران**، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۲، سال پانزدهم ،۲۰۳-۲۲۲.
- سخائی، عمادالدین؛ فهیمی؛ فاطمه؛ فهیمی فرزاد(۱۳۹۴): **پایش عملکرد و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های حوزه وزارت امور اقتصادی و دارایی**، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره های ۱۱و ۱۲: ۲۶-۵.
- سریع القلم، محمود(۱۳۹۰): **عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران**، تهران، چاپ یازدهم، نشر فرزان روز.
- سعیدی، عباس(۱۳۹۹): **برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی در راستای توسعه پایدار منظومه‌های روستایی-شهری**، تهران ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه(۱۳۸۸): **شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید**، تهران، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سعیدی، عباس؛ رحمانی‌فضلی، عبدالرضا؛ عزیزپور، فرهاد؛ بیات، مصطفی(۱۳۹۶) **تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین با تأکید بر برنامه‌ریزی فضایی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۲، ۴۱-۵۸.
- شاکری، عباس(۱۳۹۵): **مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران**، تهران، انتشارات رافع.
- شاوردی، مرضیه؛ سلطانی، بهزاد(۱۳۹۸): **همجواری جغرافیایی: ابزاری برای حمایت از نوآوری**، ویژه‌نامه جامع سیاست علم، فناوری و نوآوری، سال یازدهم، شماره ۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ داوری کیش، راضیه؛ صادقی، حامد(۱۳۹۴): **اثرات مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب**، مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰۳، ج ۱۱، شماره ۱، ۹۹-۱۲۸.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

- شاه‌آبادی، ابولفضل؛ صادقی، حامد(۱۳۹۲): **مقایسه اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ،** فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی ، سال هفتم، شماره ۲، ۴۳-۲۱.
- عرب مازار، عباس؛ خسروی، عاطفه(۱۳۹۷): **تحلیل مقایسه‌ای روند بهره‌وری انرژی در استان‌های کشور،** فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال چهارم، شماره۱۰، ۴۱-۶۶.
- عجم اوغلو،دارون؛ رابینسون، جیمزای (۱۳۹۵)، **چرا ملت ها شکست می خورند؟ ریشه قدرت، ثروت و فقر،** ترجمه محسن میردامادی، محمد حسین نعیمی‌پور و سیدعلیرضا بهشتی شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.
- کارشناسان، علی؛ مبارک، اصغر(۱۳۹۲) **بررسی نقش اثرات متغیرهای نهادی بر وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی(مورد اقتصادهای نفتی)**، اقتصاد منابع طبیعی سال دوم، شماره۱، ۳۱-۴۸.
- محمدپور، احمد(۱۳۹۲): **روش تحقیق کیفی، ضد روش۲**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- منصور آبادی، شیما؛ خداپرست شیرازی، جلیل(۱۳۹۸): **اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی و نقش کیفیت نهادها**، تحقیقات اقتصاد کشاورزی،/ جلد ۱۱، شمار۱، ۱۹۲ -۱۷۵ .
- مؤمنی، فرشاد(۱۳۹۳): **بهره‌وری و رکود تورمی**، همایش راهکارهای خروج اقتصاد ایران از شرایط رکود تورمی، دانشگاه علامه طباطبایی، سایت الف، یک شنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۵، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۶.
- مؤمنی، فرشاد(۱۳۹۵): **عالی نسب، راز مغفول توسعه اقتصادی و تولید ایران بر ضد اقتصاد ربوی**، سایت جماران.
- مؤمنی، فرشاد؛ نایب، سعید(۱۳۹۵): **تحولات تکنولوژی و آینده توسعه در ایران**، تهران، نشر نهادگرا.
- Allen, J.(۲۰۰٤): "**The whereabouts of power: politics, government and space**: Geografiska Annaler 86 B, 19-32.
- Amin, A. (1994): **Post-Fordism**. Oxford, Cambridge (MA): Blackwell.
- Amin, A., Thrift, N. (2000):"**What kind of economic theory for what kind of economic Geography**",Antipode 32, 4-9.
- Bathelt, H. (2001):"W**arum Paul Krugmans Geographical Economics keine neue Wirtschaftsgeographie ist! (Why Paul Krugman's geographical economics is not a new economic geography!)**". Die Erde 132, 107-118.
- Bathelt Harald (2006)" **Geographies of Production: Growth Regimes in Spatial Perspective3- Toward a Relational View of Economic Action and Policy**" Human Geography, 30(2), 223-236.
- Bathelt, H. and Boggs, J. S. (2005): **Continuities, ruptures and re-bundling of regional development paths: Leipzig's metamorphosis**. In Fuchs, G. and Shapira, P., editors, 20 Rethinking regional innovation and change: path dependency or regional breakthrough? New York: Springer, 147-170.
- Bathelt. Harald and Glu¨ ckler Johannes (2011): **The Relational Economy**, Geographies of Knowing and Learning, Oxford University Press.
- Bathelt, H. and Glückler, J.(۲۰۰۲): **Wirtschaftsgeographie: Ökonomische Beziehungen in räumlicher Perspektive (Economic geography: economic relations in spatial perspective)**. Stuttgart: UTB – Ulmer.
- Bathelt, H. and Glückler, J. (2003): **Toward a relational economic geography**. Journal of Economic Geography 3, 117-144.
- Bathelt Harald , Gluckler Johannes(2005):" **Resources in economic geography: from substantive concepts -towards a relational perspective**", Environment and Planning A 2005, volume 37 DOI:10.1068/a37109: 1545 - 1563
- Bencherki, N. (2017): "**Actor–Network Theory. In Craig Scott & Laurie Lewis (eds.)**", the International Encyclopedia of Organizational Communication. New York, NY: Wiley. http://doi.org/10.1002/9781118955567.wbieoc002
- Brata, A. G. (2009): **Does Geographic Factors Determine Local Economic Development?** MPRA Paper No. 15817.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]

- Caniëls, M. C. J. & B. Verspagen (1999): **The Effects of Economic Integration on Regional Growth**, An Evolutionary Model; ECIS Working Paper.
- Conley, T. and Ligon, E. (2002):" **Economic Distance and Cross-country Spillover**", Journal of Economic Growth, 7(2):157-187, 2002.
- Fujita, M., Krugman, P. and Venables, A. (1999): **The spatial economy: cities, regions, and international trade**, Cambridge (MA): MIT Press.
- Krugman, P. (1991): **Geography and trade. Leuven: Leuven University Press**; Cambridge (MA), London: MIT Press.
- Leydesdorff. L, Dolfsma. W, Panne. G. (2004): "**Measuring the Knowledge Base of an Economy in terms of Triple-Helix Relations among 'Technology, Organization, and Territory**", Journal of Economic Literature (JEL), pp: 1-35.
- Martin, R., Sunley, P. (1996): "**Paul Krugman's geographical economics and its implications for regional development theory: a critical assessment**", Economic Geography 74, 259-292.
- Martin, R., Sunley, P (2001): "**Rethinking the 'economic' in economic geography: broadening our vision or losing our focus?**" Antipode 33, 148-161.
- Maskell, P. (2001):" **The firm in economic geography**". Economic Geography 77, 329-344.
- Massey, D. (1985): **New directions in space.** In Gregory, D. and Urry, J., editors, Social relations and spatial structures, Basingstoke: Macmillan, 9-19.
- Sayer, A. 2000: **Realism and social science**. London: Sage.
- Scott, A. J. (2004): **A perspective of economic geography**, Journal of Economic Geography 4,479-499.
- Sheppard, E. (2000): **Geography or economics? Conceptions of space, time, interdependence, and agency**. In Clark, G. L., Feldman, M. P. and Gertler, M. S., editors, The Oxford handbook of economic geography, Oxford: Oxford University Press, 99-119.
- Storper, M (1997). **The Regional World - Territorial Development in a Global Economy**.Guilford Press, New York.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.12.4]